

مشنواره آن لاین

نشریه اینترنتی سی امین جشنواره فیلم فجر

نگاهی به تفاوت نگاه
داوران و منتقدان از سال
۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳



بوسیدن روی ماه در صدر
انتخاب های مردمی تا پایان روز اول

نگاهی به فیلم های
تلفن همراه رئیس جمهور و یک سطر واقعیت

گزیده حرف های
نشست های نقد و بررسی روزهای اول و دوم

جدول ارزشگذاری نویسندگان
بر فیلم های روز اول و دوم

در دو روز اول برج میلاد چه گذشت بچه دوروزه ای که دنبال مادرش می گردد

دو روز از آغاز جشنواره می گذرد. اما جشنواره مان هنوز مثل بچه ای دو روزه است که در میان کلی غریبه به دنبال مادرش میگردد. بعد از اکران هفت فیلم و یک سانس ویژه فوتبال، سینمای رسانه همچنان مملو از جمعیت است.

اما در این دور روز حاشیه اکران و جلسات نقد و بررسی چه رخ داد.

* بارزترین مسئله ای که در خلال ورود به چشم می آید غرفه هایی است که قرار است پایگاه اطلاع رسانی جشنواره برای خبرگزاری ها باشد اما بگذریم که دوستان هنوز هم به خوش و بش و تجدید دیدار با دوستان سال ها ندیده می پردازند و نه بیشتر. در این بحث نه چندان جدی بچه های باشگاه خبرنگاران را جدا بگذاریم که کوشش بی وقفه شان نادیده گرفته نشود.

* سیستم های در اختیار خبرنگاران برای ارسال سریع خبر با وجود تعداد بالا، هنوز هم کم به نظر می رسد. البته اگر از کارهای حاشیه ای خبرنگاران عزیز چشم پوشی کنیم!

* محل تحویل غذا که انگار در جزیره ای جدایی از میلاد است و برای همکاران عزیز که خسته اند از فیلم دیدن و پوشش اخبار، و زحمت فراوان می خواهد رسیدن به اش، شاید با تدبیری ساده شود. حتی شاید آنقدر تدبیر اندیشه شده کارساز باشد که دوستان هر نقطه از برج که بودند اراده کنند و غذا به دستشان برسد.

* شروع دومین روز همراه با بهت دوستان خبرنگاران از نبود موس های بود که تا دیروز به رایانه ها نصب شده بود اما... حتی در این میان غرفه ای که سندی به نام خبرگزاری مشخصی داشت، در یک شب به صبح رساندن مالکیت اش تغییر کرد.

* محمد خزاعی در بحث هایی که قبل از جشنواره حول برنامه ریزی ها بود، اعلام کرد امسال شیوه نشست ها را از نقد به پرسش و پاسخ تغییر دادیم. همین حرف بهانه ای شده که دوستان هنرمند و کارگردانان معظم ما، بهانه ای برای پاسخ ندادن به سوالات گوناگون داشته باشند. هنرمندان ما در دو روز ابتدایی یا خسته اند یا آمادگی پاسخ



رده بندی آرای مردمی تا پایان روز اول:

بوسیدن روی ماه در صدر

آمار روز نخست انتخاب های مردمی جشنواره سی ام در سینماها اعلام شد و بر این اساس، دو فیلم بوسیدن روی ماه در بخش داخلی و عقاب در بخش بین المللی صدرنشین روز اول لقب گرفتند.

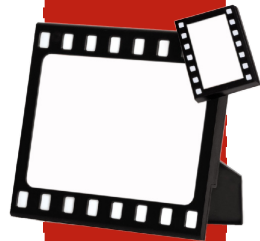
به گزارش روابط عمومی جشنواره فیلم فجر، آمار انتخاب بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در سینماهای مردمی جشنواره سی ام فیلم فجر به ترتیب امتیاز اعلام شد. رده بندی انتخاب بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در روز نخست نمایش فیلم (پنجشنبه ۱۳ بهمن) به شرح زیر است:

بخش مسابقه بین الملل

- ۱- عقاب با ۰/۲۴ امتیاز
- ۲- سلطان جزیره شیطان با ۰/۲۲ امتیاز
- ۳- عمر قاتل من است با میانگین ۰/۱۶ امتیاز

بخش مسابقه سینمای ایران

- ۱- بوسیدن روی ماه با ۱/۷۵ صدم امتیاز
- ۲- بی خود و بی جهت با ۱/۲۸ امتیاز
- ۳- گشت ارشاد با ۱/۰۳ امتیاز
- ۴- پذیرایی ساده با ۰/۹۵ امتیاز
- ۵- شور شیرین با ۰/۸۹ امتیاز
- ۶- پله آخر با ۰/۸۶ امتیاز
- ۷- خرس با ۰/۶۴ امتیاز
- ۸- بی خداحافظی با ۰/۵۶ امتیاز
- ۹- زندگی خصوصی با ۰/۵۶ امتیاز
- ۱۰- ضدگلوله با ۰/۵۲ امتیاز.



شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر





چنین شیوه ای برگزاری ممکن نیست را برآورده کرد. با فرش سبز هنرمندان آمدند و عکس گرفتند و استقبال ویژه سی سالگی برایشان انجام و جشن آغاز شد.

* بخش اینترنتی از دیگر بخش هایی بود که حیرت ها را برانگیخت. کاربران اینترنت همانطور که قول اش را شنیده بودند توانستند افتتاحیه و مراسم روز آغاز جشنواره را زنده و با کیفیت ببینند. حتی مسافران مترو هم از دیدن افتتاحیه در مانیتورهای سکوها ایستگاه به شغف آمدند!

* مهمانان خارجی که همیشه از احترام فائده ای برخوردارند امسال هم توانستند رستوران داشته باشند و با کلی تدابیر دیگر به این نتیجه برسند که ایرانیان مهمان نوازند.

* بالاخره شاهد نظمی شدیم که در زمان ورود به سالن های اکران و نشست به واسطه دستگاه های شناسایی ایجاد شد. گرچه هنوز برای قضاوت زود است چرا که فیلم های جنجالی از راه نرسیدند تا ما نشان دهیم که با بالاترین تدابیر هم می توانیم بلبشو به پا کنیم.

* در کنار خوش و بش های اهالی رسانه که امید داریم بعد از این دو روز تمام شود، - اگر فرد تازه ای از راه نرسد! - فعالیت شبکه های رادیویی و تلویزیونی که استودیوهایی چشم نوازی برای خود به پا کرده اند قابل تحسین است.

* خبر خوش دیگر که نویدش را داده بودند و حالا به واقعیت پیوسته برنامه هایی است که برای سینماهای مردمی منتشر شده بود و بدون تغییر در حال اجراست.

* در آخر باید بگوییم هنوز خبری از جعل بلیت و کارتهای جشنواره نیست. بدخواهان به نتیجه نخواهند رسید.

گویی را ندارند. هرچقدر هم منتقدان و مجری کارشناسهای جلسه سعی می کنند که با تعریف و تمجید این دوستان را مشتاق به پاسخ گویی کنند، نمی شود! انگار حنای منتقدان نیز رنگ اش را باخته.

* همیشه فکر میکردیم خبرنگاران مهجورند اما باز هم ثابت شد که عکاسان وضع شان از ما هم بدتر است. نشست فیلم را نباید بیش از ده دقیقه عکاسی کنند تا جلسه به هم نریزد! این قانون تازه وضع شده فقط برای عکاسان رسانه هاست نه کسانی که از گوشیهای خود به عنوان دوربین عکاسی و فیلمبرداری استفاده می کنند.

* حضور معاونت سینمایی در برج جشنواره در خلوت ترین زمان، مهمترین اتفاق بود. جواد شهمقدری زمانی که همه دوستداران فرهنگ و هنر در سالن سینما مشغول فریاد کشیدن برای قرمز یا آبی بودند، از محیط برگزاری جشنواره و بخش های مختلف دیدن کرد.

* جمعه بعد از اکران اولین فیلم که گشت ارشاد بود. یک دوست خلاق شایعه ای مبنی بر فوت جمشید هاشم پور منتشر کرد! جویای خبر که شدیم فهمیدیم از بس با فیلم همذات پنداری کرده به این نتیجه رسیده است.

* آخرین شایعه که همین لحظه به گوش رسید، از پخش بچ های خانه سینما میان هنرمندان حاضر در برج میلاد خبر می داد. همین جا قول می دهیم با پیگیری در صورت تأیید خبر نتیجه را اعلام کنیم.

کمی هم به نکات مثبت بنگریم:

* افتتاحیه ای توانست توقع بسیاری از افرادی که معتقد بودند

شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر



دو نگاه به فیلم «تلفن همراه رئیس جمهور»

حواشی پررنگ تر از متن ملودرام یا کمدی

■ فرهاد خالدار

■ نیما بهدادی مهر

عنوان ساخته جدید عطشانی بیش از هر چیز تداعی گر مواجهه با یک فیلم سیاسی است و حضور مهدی هاشمی و اکبر عبدی در لیست بازیگران نیز گونه روایی اثر را در محدوده کمدی در ذهن بینندگان سروشکل می دهد اما آنچه در طول زمان نمایش این فیلم با آن روبرو شدیم لحنی دوپاره از موقعیت های به ظاهر کمیک با دوز بالایی از دیالوگ های سطحی و شعاری گاه سیاسی موافق و حتی در برخی موارد در تعارض با خاستگاه اندیشه ای دولت اصول گرا بود که البته گاه تحت الشعاع مسایل ملودراماتیکی چون مشکلات قشری از جامعه ایران و نیز وضعیت خانم طیبی و دخترش قرار گرفت که با اسلوب روایی اثر چندان همخوان نیست.

یکی از مشکلات اصلی این فیلم را که لااقل در مقابل اثر قبلی عطشانی (در امتداد شهر) قابل دفاع تر است باید در بی منطقی نقطه عطف اولیه و ابهام های آن جستجو کرد. به واقع فیلمنامه به مهمترین چارچوب روایی اثر یعنی چگونگی رسیدن سیم کارت سابق تلفن همراه رئیس جمهور به آن مرد نمی پردازد و توجه خود را به چالش ها و اتفاقاتی مستقر می سازد که پس از خرید این سیم کارت برای قربانعلی کیسومی به وجود می آید. از این وجه فیلم در منظری روانشناسانه به دلیل نمایش ناقص و مبهم آنچه یک باربر معمولی را در موقعیت و جایگاه جدیدی از مناسبات اجتماعی، به فردی متقن، مورد احترام و مهم در نظر خودش ارتقا می دهد نمی تواند تفکر مخاطبش را در برابر آنچه بر قربانعلی می گذرد متقارن کند و به دلیل همین ناتوانی دراماتیکی در نمایش موقعیت ها و حالت های ذهنی خاصی که کیسومی را به توهم حاد خود بزرگ بینی می رساند از تبدیل شدن به فیلمی آبرومند در گونه روایی ملودرام با رگه هایی محدود از کمدی موقعیت و همراه با مقادیری از کنایه ها و شعارهای روشنفکرانه ناتوان است. ریتم تند فیلم در یک سوم پایانی و نمایش سریع تغییر روحیات قربانعلی در قالب دو تماس تلفنی یا مشاجره خیابانی با پلیس به هیچ وجه با دقت نظر همراه نیست و حاصل کار سه بازیگر محوری این کار یعنی مهدی هاشمی، بهناز جعفری و اکبر عبدی را که در حوزه بازی لهجه توانایی های خود را نشان می دهند و نیز قاب های دل انگیزی که علیرضا زرین دست از نماهای تک نفره مهدی هاشمی برمی دارد تحت الشعاع آنچه نقصان گسترش فضای یک خطی جذاب به داستانی تودرتو و دراماتیکی از فروپاشی یک مرد است قرار می دهد.

آخرین ساخته علی عطشانی از یک ایده جذاب برخوردار است. ایده ای که فارغ از بحث های سیاسی و البته مشکلات ممیزی، می توانست مصالح مناسبی را برای نگارش فیلمنامه ای تاثیرگذار در اختیار فیلمنامه نویس (جابر قاسمعلی) قرار دهد. فیلم برخلاف تصور اولیه، یک کمدی سیاسی محسوب نمی شود. کمدی نیست چرا که اساساً قصه در نهایت آن قدر رو به تلخی می گراید که چندان تناسبی با قواعد این ژانر پیدا نمی کند. حتی سخت می توان آن را در رده فیلم های سیاسی این سال ها جای داد. فیلم بیشتر یک اثر اجتماعی است که قرار است از تاثیرات تصمیمات سیاسی و سیاستمداران در زندگی افراد جامعه حکایت کند.

جابر قاسمعلی به واسطه شناختش از فرهنگ و گویش شمالی، در شخصیت پردازی قربانعلی کیسومی (مهدی هاشمی) و خانواده اش و نیز دیالوگ های رد و بدل شده میان آن ها، نکات جالبی را مطرح ساخته است. با این وجود در اجرا لهجه ی شمالی بازیگران آنچنان که باید در نیامده و در لحظاتی توی ذوق می زند. در عین حال ایده اولیه فیلم آنچنان که باید پرداخت نشده و در میانه های فیلم از دست رفته به نظر می رسد. آنجا که آن قدر اشارات و کنایه های سیاسی (نظیر سکانس های دادگاه) و حاشیه ای (همچون ماجرای گلکار) در اولویت قرار می گیرند که چگونگی تحول شخصیت قربانعلی کم اهمیت شمرده شده و از خودگذشتگی وی تا حدی غیر منطقی می نماید. اینچنین است که پایان بندی فیلم نیز آنچنان که باید باورپذیر نمی نماید. مجنون شدن شخصیت قربانعلی می توانست بسیار مستدل تر و معقول تر از شکل و شمایل کنونی به تصویر درآید و پایانی تکان دهنده را برای فیلمی با چنین مضمون جالب توجهی رقم زند. شاید اگر فیلم به وسیله یکی از کاندیداهای پیشین کارگردانی این سناریو (محمدرضا هنرمند یا کمال تبریزی) به تصویر در می آمد، اینک با اثری متفاوت و قابل بحثی در سینمای ایران رو به رو بودیم، اما با کارگردانی عطشانی با فیلمی مواجه هستیم که از سطح فراتر نمی رود. با این همه تلفن همراه رئیس جمهور پس از فیلم ناامید کننده در امتداد شهر قدمی رو به جلو در کارنامه علی عطشانی محسوب می شود. کارگردانی که نشان داده است به حواشی بیش از متن علاقه دارد.

شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر



از رویا تا واقعیت و دیگر هیچ

■ مریم مطلب پور

است. گویی کاراکتر «کسری شایگان» با بازی حسین یاری از آسمان آمده و نه تنها هیچ قوم و خویشی ندارد بلکه از دار دنیا یک دوست نزدیک هم ندارد که با او این معامله عجیب را بررسی کند. بماند که وزیربان با تصویر کاراکتر فروغ که بی اختیار بیننده را به یاد زنان بی دست و پای سریال های تلویزیونی می اندازد که در سکوت و با چشمانی اشکبار تسلیم تصمیم شوهر می شوند، به نوعی به زنان فرهنگی این دوران نیز تاخته است. در این بین بازی های نه چندان دلچسب حسین یاری و مهراوه شریفی نیا که گویی کم کم به زوج هنری تبدیل شده اند سبب شده است ارتباط تماشاگر با کاراکتر فروغ و کسری کمرنگ تر شود. سکansı در فیلم وجود داشت که دیدنش برای نگارنده بسیار تعجب آور بود. بعد از سالها با سکansı روبرو شدیم که زن و شوهر را بر روی یک تخت خواب نشان می داد. با این حال فیلم موسیقی داشت که چند گام بزرگ از فیلم جلوتر بود و علیرضا کهن دیری ملودی جذابی برای این فیلم نوشته بود.

در مجموع یک سطر واقعیت اگر آنقدر فرهیختگان جامعه را کودن نشان نمی داد و سعی نداشت مرثیه ای باشد بر اعتماد زود هنگام و دل بستن به امیدهای واهی، می توانست حرفی برای گفتن داشته باشد. به شرطی که فیلمنامه اش را دوباره بازنویسی کند بماند که هنوز باورم نمی شود در زمانه ای که آدم نمی تواند به چشمانش به راحتی اعتماد کند چگونه یکی از فرهیختگان این مملکت بدون هیچ تحقیقی اینقدر عجولانه به یک تماس تلفنی دل می بندد.

فیلم یک سطر واقعیت آخرین ساخته علی وزیربان است که آثاری مانند خدا نزدیک است و یک وجب از آسمان را در کارنامه کاری دارد. وزیربان در آخرین ساخته اش سعی داشته فیلمی را عرضه کند که نیم نگاهی به جامعه فرهنگی و فرهیخته قلم به دست دارد. فیلمی که با همه تلاشی که بر نقد جامعه مطبوعاتی داشت عملاً به نقد کارگردان منتهی شده است. داستان چند خطی فیلمنامه که از سکانس ابتدایی حدس زدن فینالش کار ساده ای است نه تنها هیچ فراز و فرودی ندارد بلکه در سکانس های انتهایی فیلم به شدت ضعیف عمل می کند و تماشاگری که تا پایان، سکانس هایی تکراری و خسته کننده را تحمل کرده است نمی داند با این همه شلختگی چه کند. فیلم نه تنها در پردازش فیلم نامه می لنگد، بلکه در بسیاری از سکانس ها با دیالوگ های زائد و تصاویری روبرو هستیم که هیچ تاثیری در پیش برد قصه ندارد. وزیربان سعی کرده است با نشان دادن «کسری شایگان» به عنوان نمادی از اقبشار مطبوعاتی این روزگار به نقد اعتماد و به نوعی وطن فروشی آنها به بیگانگان بپردازد. رویکردی که در عمل نه تنها دستاویزی برای این قضیه نیست بلکه کارگردان با نشان دادن این مدیر مسئول مغرور و بی فکر که بدون هیچ مشورتی همه زندگی اش را به بهانه اعتماد کودکانه اش به تماسی از آن طرف آنها به باد فنا می دهد و جلای وطن می کند تا با استفاده از کمک مالی موسسه ای در سوئد زندگی بهتری برای خود در آن سوی دنیا بسازد، تماشاگر را سردرگم می کند. ضربه اصلی از ترسیم همین دیدگاه به فیلم زده شده

شماره اول

۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی

سی امین

جشنواره بین المللی

فیلم فجر



گزیده حرف های نشست نقد و بررسی روزهای اول و دوم

■ سلام بر فرشتگان - ۱۳ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم سلام بر فرشتگان با حضور فرزاد اژدری (کارگردان)، حسن علیمردانی (تهیه کننده)، شمس‌ی فضل‌الهی، ماه‌چهره خلیلی، کیمیا حسینی (بازیگران)، سحر عصرآزاد (منتقد)، محمود گبرلو مجری و کارشناس و جمعی از اهالی هنر و رسانه برگزار شد.

گزیده حرف ها:

حسن علیمردانی: از ابتدا تصمیم داشتیم یک موضوع تلخ را به صورت شیرین بیان کنیم گرچه نمی دانم موفق شدیم یا نه، اما تمایل بسیار داشتیم این فیلم را تهیه کنیم. با گذشت دهه فجر امسال فیلم «سلام بر فرشتگان» ما هم دو ساله شد. دو سال پیش در ایام دهه فجر تلفن من به صدا درآمد و اژدری کارگردان فیلم گفت: فیلمنامه‌ای دارم و می‌خواهم این فیلم را بسازم. من نیز هنگامی که فیلمنامه را خواندم در آن مسائل بکر و اساسی را دیدم که تاکنون در فیلم کودکان‌های به تصویر کشیده نشده بود. ما نیز تلاش فراوانی کردیم تا این فیلم به بهترین شکل ساخته شود.

شمس‌ی فضل‌الهی: خوشحالم از این که چنین فیلمی ساخته شد، زیرا کسانی را می‌شناسم که از مرگ هراس داشتند و در مرحله افسردگی از مرگ به سر می‌بردند و دنیای کنونی را پوچ و بیهوده می‌دیدند. امروز می‌توانم به آنها پیشنهاد کنم تا این فیلم را ببینند. زمانی که فیلمنامه را خواندم بار مثبتی که در فیلمنامه بود، بسیار پسندیدم و خیلی دوست داشتم که در یک فیلم کودکان همکاری داشته باشم.

ماه‌چهره خلیلی: بار اولی بود که فیلم را دیدم و باورم نمی‌شد از لحاظ جلوه‌های ویژه آن قدر پیشرفت کرده باشیم که چنین فیلمی را در ایران بسازیم.

فرزاد اژدری: شش ماه قبل از این که فیلم‌برداری کار شروع شود، به همراه گروه صحنه به صحنه کار را طراحی کردیم که چیزی حدود ۵۰۰ صفحه شده بود و از ابتدا می‌دانستیم که چه می‌خواهیم. برای من این فیلم یک نکته داشت که اگر یکی از عزیزان مان از دست برود، کودکان با این موضوع چگونه برخورد خواهند کرد و می‌خواستیم این مطلب را با دانش اندک خود جا بیاندازم.

قصه این بود که فرشته مرگ و زندگی را داشته باشیم و در نهایت به این نتیجه برسیم که مفهوم مرگ و زندگی برای کودکان چگونه باورپذیر خواهد بود.

نسل جدیدی که امروز ارباب حلقه‌ها و هری پاتر را می‌بینند، خوب است که فیلمی همانند «سلام بر فرشتگان» را ببینند.

سحر عصر آزاد: همیشه گفته می‌شود سینمای کودک محجور مانده است اما خوشحالم از این که امروز فیلمی برای کودکان با فیلمنامه‌ای با جزئیات کامل از نگاه شخصیت کودکان بیان شده است و به مخاطب می‌گوید از زاویه نگاه کودکان نگاه کنید.

ماه‌چهره خلیلی: بازی در این فیلم تجربه بسیار جالبی بود اما به خاطر گریم سنگینی که داشتیم و کار اولی که برای کودکان اجرا کردم بسیار برایم رضایت بخش بود امیدوارم باز هم تکرار شود.

■ تلفن همراه رئیس جمهور - ۱۳ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم تلفن همراه رئیس جمهور با حضور علی عطشانی (کارگردان)، جابر قاسمعلی (فیلمنامه نویس)، بهناز جعفری و مهدی هاشمی (بازیگران)، رامتین شهبازی (منتقد) و با اجرای محمود گبرلو در سالن سعدی مرکز همایش های برج میلاد برگزار شد.

مهدی هاشمی ضمن عذرخواهی از حاضران به دلیل داوری جشنواره تئاتر فجر، ابتدای نشست سالن را ترک کرد.

گزیده حرف ها:

علی عطشانی: سال گذشته از جابر قاسمعلی خواستم نظرش را درباره فیلمنامه دموکراسی تو روز روشن بگویم. همان موقع او فیلمنامه ای نوشته بود به نام تلفن همراه رئیس جمهور که برایم جالب بود. به قاسمعلی گفتم من این فیلمنامه را می‌خواهم و او هم گفت که فیلمنامه را به پژمان لشگری پور فروخته است.

این فیلمنامه آنقدر برایم جذاب بود که از لشگری پور خواستم فیلمنامه را به من بدهد. او گفت نمی‌توانی آن را بسازی چون شش سال است که پروانه ساخت آن صادر نمی‌شود. بالاخره با یک قیمت نجومی توانستم فیلمنامه را از لشگری پور بخرم. تغییراتی در فیلمنامه پیش آوردیم و خوشحالم که قرعه ساخت این فیلم به نام من افتاد.

قاسمعلی: من معتقد نیستم این کار کاملاً نفورالستی است. زمانی که داشتم این فیلمنامه را می‌نوشتیم به موضوع آن فکر کردم. این موضوع از یک اتفاق واقعی بر داشت شده است. دوستی داشتم که چند سال پیش سیم کارت رئیس جمهور وقت را خریده بود. به محض این که به خانه ما آمد تلفنش زنگ خورد و مثل همیشه او را اشتباه گرفتند. از او اجازه گرفتم که تلفن را جواب بدهم.

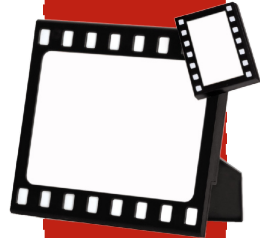
پسر یکی از نمایندگان مجلس پشت خط بود و از من می‌خواست که با پدرش درباره خروج او از کشور صحبت کنم. تلفن بعدی هم از اصفهان بود و باز هم بارنئیس جمهور کار داشتند. این سوژه خوبی برای نوشتن فیلمنامه شد. البته کلنگ اولیه را پژمان لشگری پور زد و بعد با محمدرضا هنرمند برای ساخت آن به توافق رسیدیم. کمال تبریزی هم نتوانست پروانه ساخت آن را بگیرد.

علی عطشانی: حساسیت روی کلیت فیلمنامه بود و آقای سجادپور می‌گفت به این فیلمنامه فکر نکن. اما بعد از صحبت کردن متوجه شدیم اشکالات آنقدر هم بزرگ نیست.

رامتین شهبازی: ایده فیلم، ایده خوبی بود اما در مرحله پرداخت و کارگردانی مشکلاتی دارد. نوع شیوه و روایت درست نیست و لحن به سه قسمت تقسیم می‌شود. طبق گفته آقای قاسمعلی سینمای نورئالیستی این ویژگی‌ها را دارد اما چنین اتفاقی در این فیلم نمی‌افتد.

قاسمعلی: این تفکر که فیلم را به دسته تقسیم کنیم درست نیست. ما در این فیلم متکی به یک شخصیت اصلی هستیم و داستان بر اساس او تا انتها جلو می‌آید.

بهناز جعفری: انتخاب این لهجه بر عهده آقای قاسمعلی بود و ایشان



شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر





می‌خواستند این اتفاق بیفتد.

■ یک سطر واقعیت - ۱۳ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم **یک سطر واقعیت** با حضور علی وزیربان (کارگردان)، جواد نوروزبیگی (تهیه کننده)، همایون ارشادی، مهرآه شریفی نیا و حسین یاری (بازیگران) و مازیار فکری ارشاد (منتقد)، برگزار شد.

گزیده حرف ها:

علی وزیربان: هر کدام از فیلم‌هایم برای مقاطع خاصی بوده و بخشی از این فیلم‌ها بازتابی از اتفاقات جامعه بوده است.

خیلی از مسائلی که در این فیلم مطرح می‌شود، در طول این سال‌ها دیده‌ام. مسائل مطرح شده در این فیلم بخشی از مشکلاتی است که بچه‌های مطبوعاتی با آن رو به رو هستند. یاد می‌آید وقتی با آقای نوروزبیگی دنبال سرمایه گذار می‌گشتیم، خیلی‌ها می‌گفتند این مساله چقدر دغدغه مردم است. اما ما فکر کردیم که این فیلم وضعیت گروهی از مردم را که به مسائل فرهنگی می‌پردازند، نشان می‌دهد.

این فیلم تنها مختص به مطبوعاتی‌ها نیست. موضوع این فیلم می‌تواند درباره خیلی از اهالی فرهنگ و هنر باشد. من سال‌ها به عنوان طراح و گرافیک در حوزه مطبوعات فعالیت می‌کردم و شاهد مشکلات این حوزه از نزدیک بودم. اگر قرار باشد فیلم فقط درباره مطبوعاتی‌ها می‌بود، مخاطبانش خیلی محدود می‌شدند. همایون ارشادی: این فیلم هشدار است به همه‌مان. چون هر انسانی اشتباه می‌کند.

جواد نوروزبیگی: این اتفاق جدیدی است که در دنیای جدید امروز می‌افتد و برای خیلی‌ها هم پیش آمده است. این قصه یکی از آسیب‌های اجتماعی را شرح می‌دهد.

مازیار فکری‌ارشاد: بزرگ‌ترین معضل سینمای ایران، این است که فیلم‌های ایرانی با واقعیت فاصله دارد. تصویری که در این فیلم از روزنامه نگاری می‌بینیم با آنچه به صورت واقع اتفاق می‌افتد، فاصله دارد. فضایی که در تا امروز در دفتر نشریات دیده‌ایم با واقعیت فاصله دارد. مثلاً این میزان نشریه برگشتی خیلی عجیب است و من بعد از این همه سال کار کردن چنین تصویری را از دفتر نشریات ندیدم. جدی‌ترین نقد من به فیلم موضوع وبلاگ نویس‌هایی است که در فیلم به آنها پرداخته شده اما در ادامه این مساله به فراموشی سپرده شد. این کار مصداق بارز راهنما زدن به چپ و پیچیدن به راست است.

■ پرواز بادبادک‌ها - ۱۳ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم **پرواز بادبادک‌ها** با حضور علی قوی

تن (کارگردان و بازیگر)، رویا پوریادگار (بازیگر)، مهدی حسینی وند (تدوینگر)، بیژن کاشانی (دستیار کارگردان)، علی اصغر کشانی (منتقد) و محمود گبرلو به عنوان مجری کارشناس به نقد و تحلیل فیلم پرداختند.

گزیده حرف ها:

رویا پوریادگار: از تحمل خوب تان برای دیدن این فیلم ممنونم. علی قوی تن: در تمام طول زمان فیلم سازی‌ام به غیر از دو فیلم **سنجاقک‌های برکه سبز** و **بادهای بهاری** و این فیلم جدید، تمام کارهایم در زمره فیلم‌های گیشه‌ای و تجاری جزء سینمای بدنه محسوب می‌شدند. زمانی که **نسکافه داغ داغ** را ساختم تصمیم گرفتم به دغدغه‌ها و علایق ام بازگردم.

۲۰ سال فیلمسازی تجربه خوبی را برایم رقم زد که بتوانم فیلمسازی به گونه‌ای که دوست دارم را دنبال کنم. **پرواز بادبادک‌ها** دغدغه‌های مرا به تصویر می‌کشد، و مخاطب ویژه خود را برای بیان حرف‌ها و پیام‌هایش پیدا می‌کند. برای این کار نیازمندم که خودم هم در مقام سرمایه گذار حضور داشته باشم، چرا که تهیه کنندگان حاضر نمی‌شوند برای فیلمی که فیلمنامه‌ای متناسب با سینمای بدنه با حضور بازیگران بی‌شمار ندارد، سرمایه گذاری انجام دهند. گرچه در میانه راه از کمک‌های بنیاد سینمایی فارابی بهره بردم و توانستم این پروژه را به پایان برسانم.

رویا پوریادگاری: دو سال پیش اولین همکاری ام در **سنجاقک‌های برکه سبز**، دلیل اصلی حضورم در این فیلم نیز بود. با وجود تفاوت سنی‌ای که این نقش با من داشت، حضور قوی تن برای پذیرفتن چنین نقشی با همه خطر افتادن به ورطه‌ای که در پیشنهادهای بعدی مرا با مشکل مواجه می‌کرد، دلیل خوبی برای ایفای نقش بود. این فیلم سلیقه مخاطب نیست. مخاطب اگر سردر سینما فیلمی را بدون عکس بازیگران چهره ببیند، و با خلاصه داستانی این گونه مواجه شود برای دیدن فیلم نمی‌آید. سلیقه مخاطبان سینما مدت هاست که تغییر کرده.

علی اصغر کشانی: نوع روایت کمکی به داستان نمی‌کرد. همینطور به نظر می‌رسد که سوژه این داستان با نگاهی به فیلم‌های انجمن شاعران مرده و **روبان سفید** ایجاد شده است. به نظر می‌رسد بخش‌های مختلف فیلم در سوژه و پرداخت، به گونه‌ای مستقل عمل می‌کردند که بی‌هیچ شباهتی، می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد و به شیوه‌ای جداگانه مورد پرداخت قرار داد. همینطور ضعف شخصیت پردازی در صحنه‌های مختلف بی‌کمک گرفتن از دیالوگ و نماهای ویژه و موسیقی بیشتر مشخص می‌شود.

کشانی: حرکت‌های دوربین متناسب با صحنه‌ها اتفاق نمی‌افتد و به نظر می‌رسد کارگردان برای فیلم خود آن‌چه را از توانایی لازم بوده، نگذاشته است.

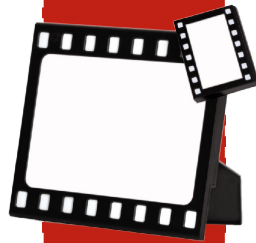
علی قوی تن: قرار نبود این جلسه نقد باشد. بر اساس گفته‌های دبیر جشنواره فکر می‌کردم که قرار است تنها پرسش و پاسخ میان



شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سینا امین
جشنواره بین‌المللی
فیلم فجر





شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر



عوامل فیلم و حضار انجام شود. قرار نبود فیلمی را که هنوز به اکران عمومی در نیامده نقد کنند. من برای پاسخ گویی به این دست نقدها آمادگی ندارم. بهتر است به پرسش و پاسخی که حرفش را زده بودند، بپردازیم.

علی قوی تن: نریشن ها بودند که داستان را مشخص کردند. گرچه در ابتدا قصد نداشتم فضای شاعرانه ای ایجاد کنم اما این قصه بود که فضا را بدون برداشت از هیچ فیلم مشخصی برایم ترسیم کرد. تمام عوامل درگیر فیلم از همین قصه می آید.

قوی تن: در این فیلم هیچ تعمدی برای استفاده از شباهت ظاهری من و سهراب سپهری نبوده است. هرچند با پیشنهاداتی به این فکر افتاده بودم که فیلمی در مورد سهراب سپهری انجام بدهم و تحقیق ۸ ماهه ای هم انجام دادم. این اتفاق زمان فیلم نسکافه داغ بود و خسرو شکیبایی نیز قول همکاری را به من داده بود. حیف که عمر او برای ساخت این فیلم قد نداد.

گشت ارشاد - ۱۴ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم گشت ارشاد با حضور سعید سهیلی (کارگردان)، مهدی نژاد محمدیان (فیلمنامه نویس)، نیوشا ضیغمی (بازیگر) و نیما حسینی نسب (منتقد) در سالن سعدی مرکز همایش های برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

حسینی نسب: اولین چیزی که بعد از دیدن این فیلم به چشم می آید این است که گشت ارشاد یکدست ترین فیلم آقای سهیلی است. این یکپارچگی را در می توان به راحتی در لحن دید.

ایده این فیلم، ایده جذابی است اما کیفیت نهایی فیلم در حد و اندازه آن ایده جذاب نیست. گشت ارشاد بیشتر جذابیتش را به جای این که از قصه و فراز و فرودهایش بگیرد از بازی بازیگران و شوخی های موقعیتش می گیرد.

سعید سهیلی: من به خاطر احترام به مطبوعاتی ها آمده ام و خیلی نمی خواهم پاسخگو باشم. اما بد نیست بگویم بین حرف زدن و خوب حرف زدن فاصله زیادی است. من از آقای حسینی نسب تشکر می کنم که حرف هایش را به خوبی بیان کرد. همانطور که فیلمساز باید حرفش را خوب بزند منتقد هم باید همینطور باشد.

بنا به ملاحظات سکانس زندان به فیلم اضافه شده بود. نژاد محمدیان: سیاهی فیلم قرار نبود مانع خندیدن باشد. قرار بود فیلم ما را نیشگون بگیرد و در قسمت هایی برای این که زهر فیلمنامه گرفته شود باید حال و هوای فیلم را عوض می کردیم.

سعید سهیلی: من شیش و بش را ندیدم اما اگر شما شباهتی میان این دو فیلم می بینید، معذرت می خواهم.

مشکل بیشتر فیلمسازان یا حداقل من این است که خیلی راحت نمی توانم به شخصیت های منفی بپردازم. دست فیلمساز برای پرداختن به شخصیت های مثبت معمولاً باز است اما شخصیت های منفی معمولاً آدم را دچار مشکل می کند. اگر روی هر کس دست بگذاریم می گویند چرا ما.

حسینی نسب (در واکنش به طفره رفتن سهیلی از جواب دادن): مطبوعاتی ها وقتی احترام می بینند که به سوالاتشان پاسخ داده شود و حضور صرف کارگردان در جلسات نشست به آنها احترام نمی گذارد.

نیوشا ضیغمی: هر بازیگری وقتی با فیلمی مواجه می شود، برای بازی در آن شناسنامه دارد و به این فکر می کند که کارگردان و فیلمنامه نویس از او چه می خواهند. من نقش دختری را دارم که از طبقه متوسط جامعه است. در این میان ممکن است حذفیات به فیلم لطمه

وارد کند اما نمی دانم دیگر چطور می شود این نقش را بازی کرد. من ترسو نیستم و مشکلم شجاعت است و از همین شجاعت هم ضربه خورده ام.

میگرن - ۱۴ بهمن

جلسه پرسش و پاسخ فیلم سینمایی میگرن عصر روز جمعه ۱۴ بهمن با حضور پانته آ بهرام، هنگامه قاضیانی، مانلی شجاعی فرد، افشین هاشمی، بهرام دهقانی تدوین گر، شهرام خرازی ها منتقد، محمود گبرلو مجری کارشناس در سالن سعدی مرکز همایش های برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

مانلی شجاعی فرد: سوژه این کار از نزدیک ترین همسایه های من شکل گرفته و سه همسایه در کنار یکدیگر بودند که میگرن را روایت کردند.

میگرن قصه متفاوت سه زن از سه طبقه فرهنگی را روایت می کند که هر کدام دردهایی را در زندگی شان دارند اما این را باید بگویم که حدود ۱۵ دقیقه از فیلم ما کم شد و این جریان، لطمه ای بزرگ به قصه زد که در جایی مخاطب احساس می کند چیزی از قلم جا افتاده است.

این فیلم اولین تجربه بلند سینمایی من بود و برایم بسیار ارزش داشت که در جشنواره به نمایش درآید، اما اگر فیلم اولی نبودم، شاید پافشاری بیشتری می کردم تا کم تر اصلاحیه بخورد، گرچه چیزی حدود هشت اصلاحیه به این فیلم وارد شد.

من سه همسایه داشتم که صداهای ضبط شده آنها را نگه داشته بودم و یکی از دلایلی که باعث شد تا این فیلم کلید بخورد، همین صدای ضبط شده شخصیت گوهر، هنگامه و پانته آ بود و به هیچ وجه قصد نداشتم با این فیلم مخاطب را ارشاد کنم فقط می خواستم بگویم که اگر زن در جامعه دچار مشکلات خانوادگی شود، چه می کند.

هنگامه قاضیانی: تاثیر میگرن بر روی من باعث شد که تا ۷ ماه به لحاظ روحی درگیر فیلم باشم و سعی کردم نقش مادری را ایفا کنم که از کودک خود غافل شده، وظیفه مادری خود را فراموش کرده و درگیر دغدغه های مالی زندگی شده است.

پانته آ بهرام: میگرن یکی از بهترین کارهایی است که من داشته ام و پشت صحنه خوب و ماندنی آن را هیچ گاه فراموش نخواهم کرد. شهرام خرازی ها: این فیلم به شدت وابسته به ادبیات است و در جاهایی فیلم از سینما دور می شود. ترسیمی از موقعیت اجتماعی زن در زندگی امروزی است که نقاط ضعف و مثبتی هم دارد.

گیرنده - ۱۴ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم گیرنده که با حضور مهرداد غفارزاده کارگردان فیلم، محمد قهرمانی تهیه کننده، سعید راد و محمدرضا شریفی نیا (بازیگران)، بهزاد عبدی (آهنگساز) و بابک پناهی (طراح صحنه و لباس)، محمود گبرلو به عنوان مجری کارشناس جلسه به همراه محمد باغبانی (منتقد)، برگزار شد.

گزیده حرف ها:

مهرداد غفارزاده: زمانی که به عرصه ادبیات قدم گذاشتم می دانستم که پایه اساسی برای رسیدن به هدف اصلی ام را که فیلمسازی است، درست انتخاب کردم.

با وجود این که سه شرط اولیه سعید راد برای حضور برآورده نشد، اما او با حضورش، گیرنده را مدیون حضور خود کرد. ظرافت های بازی سعید راد باعث شد که روایت داستان به شیوه صحیح اتفاق بیفتد.



هم‌خوان شد.

بهزاد عدی: اهمیت موسیقی و صدای فیلم برای یک آهنگساز بسیار مورد توجه است. اما متأسفانه آن چه در سالن شاهد بودم، اکران بی کیفیت بود که صداها را تحت الشعاع قرار داد.

شفیع آقامحمدیان (در اعتراض به گفته های مهرداد غفارزاده): قرار نیست حقایق را فراموش کنیم. مباحث مطرح شده در مورد بودجه های حداقلی و بی‌اعتمادی به کارگردانان اولی واقعیت ندارد. شاید باید یادآوری کنم که این پروژه ۲۰ درصد بودجه بیشتر از سایر فیلم ها دریافت کرد و علاوه بر این که زمان فیلمبرداری دو برابر شد اما هیچ اعتراضی اتفاق نیفتاد. ما در تمام طول پروژه همراه و در کنار گروه بودیم که این جز اعتماد نیست.

■ من و زیبا - ۱۴ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم من و زیبا با حضور فریدون حسن پور (کارگردان)، جواد نوروزبیگی (تهیه کننده)، نیکی نصیریان (بازیگر)، محمدرضا سکوت (مدیر فیلمبرداری)، خسرو نقیبی (منتقد) و محمود گبرلو مجری کارشناس برنامه و همچنین جمع کثیری از اهالی رسانه در سالن سعدی برگزار شد.

گزیده حرف ها:

فریدون حسن پور: با ساخت این فیلم می‌خواستم بگویم خداوند بخشنده و مهربان است و اگر کسی به سوی او رود و توبه کند او قطعاً خواهد بخشید و فرقی نمی‌کند از چه ادیانی باشیم. فیلم‌نامه این فیلم در خصوص زندگی شخصی به نام موسی است که در زندگی خود مشکلاتی برایش پیش می‌آید و در نهایت به روز عاشورا متوسل می‌شوند.

حسن پور: من در فیلم‌هایم هیچ‌گاه علاقه‌ای به گریم نداشتم و تمایل دارم با شخصیت پردازی چهره برای مخاطب قابل باور باشد و بعد از گذشت مدتی اندک از فیلم مثلاً مخاطب شخصیت آقا موسی را از پرویز پرستویی تصور کند.

خسرو نقیبی: من موقعیت جغرافیایی آدم‌ها را در قصه پیدا نمی‌کنم فیلم‌نامه نویس هر جا در قصه کاراکترها را لازم دارد آنها را نشان می‌دهد. در مجموع ساختار فیلم ساختار درستی است اما اشکالاتی در قصه موجود است.

محمد رضا سکوت: فیلم را در سختی بسیار کار کردیم، امکانات اندک سینمای ایران ما را با مشکلات فراوانی روبرو کرد اما گروه تمامی تلاش خود را کرد تا بیننده با این فیلم ارتباط برقرار کند.

جواد نوروزبیگی: گرچه ساخت این گونه فیلم‌ها بسیار است اما حسن پور با ساخت آنها بسیار راحت است و قصد داشتیم گوشه‌ای از حرکت عاشورا را بیان کرده باشیم.

حساسیت‌های او در طول زمان ساخت مرا کمک می‌کرد. بسیاری اوقات او با پیشنهادهای و تذکراتش مرا به یاد سینما می‌انداخت. این که یکی از بزرگان بازیگری که همیشه با فیلم تنگا و جذابت‌های نقش اش در ذهن من تصویر می‌شد، در اولین فیلم من حضور پیدا کند، اتفاق فرخنده‌ای بود.

در سینمای ایران این تعبیر برای فیلم اولی‌ها وجود دارد که کارگردانانی که نخستین تجربه خود را شروع می‌کنند، شناخت کامل از سینما و فیلمسازی ندارند و در یک نگاه تحقیق‌آمیز از او می‌خواهند که با در اختیار داشتن امکاناتی که به او داده شده خود را محک بزند و اگر توانی داشت در این راه بماند. در حالی که، زمانی که امکاناتی در اختیار یک کارگردان قرار می‌گیرد باید به او اعتماد کرد و چنین نگاه همراه با تحقیر را به او نداشت. می‌خواهم از پشت این تریبون به تمام فیلم اولی‌هایی که در آینده برای تجربه این دنیا می‌آیند بگویم که فیلم خود را با اقتدار بسازند و با این برداشت‌ها از خط اصلی و هدف خود جدا نشوند.

سعید راد: بعد از هجرت ناخواسته و ۲۰ ساله ام، دومین کار سینمایی پذیرفتن پیشنهاد غفارزاده بود. این نقش تعجب مرا برانگیخت. در این حجم نقش‌های پیشنهادی، این تنها کار متفاوتی بود که دارای جذابیت و فضای لازم برای پرداخت متناسب داشت. به نظر می‌رسد بعد از شخصیت چند بعدی فیلم **دوئل**، این نقش درست و قابل دفاعی است که می‌شد در تجربه نخست یک کارگردان پذیرفت. برخی از کارگردان‌های به اصطلاح اولی هستند که شایسته توجه ویژه‌ای هستند. در این دوره که با تأسف کارگردانان صاحب نام حضور ندارند بهتر است که به این تازه‌ها بپردازیم. گیرنده با توجه به شرایط موجود جز بهترین فیلم‌هایی است که باعث افتخار سینمای ایران می‌شود.

محمد باغبانی: مضمون این فیلم وزنه بزرگی است که کارگردان به راحتی قادر به حمل آن در طول فیلم شده است. گرچه این فیلم سلیقه من نیست اما قابلیت دفاع دارد. کارگردان توانسته در انتخاب بازیگر و استفاده از شخصیت بزرگ سینمایی ایران به شیوه صحیحی عمل کند. یکی از نقاط ضعف فیلم مبهم بودن جغرافیای فیلم است. فضای جغرافیایی در گیرنده گم شده است، گویا در زمان تحقیق برای فیلم‌نامه به این موضوع پرداخته نشده است. و نکته مهم دیگر سرنوشت شخصیت مجازی یا همان نامه‌هایی است که با وجود اهمیت بالایی که داشت بی‌توجه ماند.

مهرداد غفارزاده: جغرافیای مشخص در فیلم‌نامه وجود داشت، اما در بحث‌هایی که انجام شد و بر اساس نظر تهیه کننده و وزارت ارشاد به این نتیجه رسیدم که این موقعیت مشخص جغرافیایی را حذف کنیم. با این هدف که فیلم ما نیازمند بود که مهر تاریخ مصرف را از آن بگیری.

بابک پناهی: به خاطر این نظر کارگردان لوکیشن‌های انتخاب شده و طراحی‌های لباس تغییر کرد و همه با فضای تازه شکل گرفته



گزارش ارزیابی داوری در تاریخ برگزاری جشنواره فیلم فجر - بخش اول نگاهی به تفاوت نگاه داوران و منتقدان از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳

■ برگزیدگان ششمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۶۶)

بهترین فیلم: انتخاب نشد! / منتقدان: شاید وقتی دیگر
بهترین کارگردانی: کیانوش عیاری (آن سوی آتش) / منتقدان:
بهرام بیضایی (شاید وقتی دیگر)
بهترین فیلمنامه: انتخاب نشد! / منتقدان: به دلیل پراکندگی
آرا انتخاب نهایی صورت نگرفت
بهترین بازیگر نقش اول مرد: فرامرز قریبیان (ترن) / منتقدان:
خسرو شجاع زاده (آن سوی آتش) و داریوش فرهنگ (شاید
وقتی دیگر)

بهترین بازیگر نقش اول زن: پروانه معصومی (شکوه زندگی،
جهیزیه برای رباب) / منتقدان: سوسن تسلیمی (شاید وقتی
دیگر)

بهترین فیلمبرداری: اصغر رفیعی جم (شاید وقتی دیگر) /
منتقدان: اصغر رفیعی جم (شاید...)

بهترین تدوین: روح الله امامی (کانی مانگا) / منتقدان: بهرام
بیضایی (شاید...)

بهترین موسیقی متن: فرهاد فخرالدینی (پرستار شب) /
منتقدان: بابک بیات (شاید...)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: سعید پورصمیمی (تحفه‌ها) /
منتقدان: حمید جبلی (شیرک)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: آنیک شفرازیان (سرزمین آرزوها) /
منتقدان: فاطمه معتمدآریا (جهیزیه ای برای رباب)

■ برگزیدگان هفتمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۶۷)

بهترین فیلم: در مسیر تندباد (مسعود جعفری جوزانی) /
منتقدان: باشو غریبه کوچک

بهترین کارگردانی: محسن مخملباف (بای سیکل ران) /
منتقدان: بهرام بیضایی (باشو...)

بهترین فیلمنامه: محسن مخملباف (بای سیکل ران) / منتقدان:
محسن مخملباف (عروسی خوبان)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: عزت الله انتظامی (گراند سینما) /
منتقدان: عزت الله انتظامی (گراند سینما)

بهترین بازیگر نقش اول زن: رویا نونهالی (عروسی خوبان) /
منتقدان: سوسن تسلیمی (سرب)

بهترین فیلمبرداری: محمود کلاری (سرب) / منتقدان: محمود
کلاری (سرب)

بهترین تدوین: ژیلایپیکچی (نارونی) / منتقدان: عباس گنجوی
(کشتی آنجلیکا)

بهترین موسیقی متن: مجید انتظامی (بای سیکل ران) /
منتقدان: بابک بیات (کشتی آنجلیکا و عروسی خوبان)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: محمود جعفری (زرد فناری،
شاخه‌های بید) / منتقدان: محمود جعفری (زرد فناری)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: فاطمه معتمدآریا (برهوت) /
منتقدان: فاطمه معتمد آریا (اشاره و الماس و برهوت)

■ برگزیدگان هشتمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۶۸)

بهترین فیلم: مهاجر (ابراهیم حاتمی کیا) / منتقدان: هامون
بهترین کارگردانی: داریوش مهرجویی (هامون) / منتقدان:
داریوش مهرجویی (هامون)

بهترین فیلمنامه: داریوش مهرجویی (هامون) / منتقدان:
داریوش مهرجویی (هامون)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: خسرو شکیبایی (هامون) /
منتقدان: خسرو شکیبایی (هامون)

بهترین بازیگر نقش اول زن: رقیه چهره آزاد (مادر) / منتقدان:
گلچهره سجادیه (دندان مار)

بهترین فیلمبرداری: تورج منصوری (هامون) / منتقدان: محمود
کلاری (مادر، ای ایران و ریحانه)

بهترین تدوین: حسن حسندوست (هامون) / منتقدان: حسن
حسندوست (هامون)

بهترین موسیقی متن: کریم گوگردچی (مهاجر) / منتقدان:
ناصر چشم آذر (هامون)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: اکبر عبدی (مادر) / منتقدان: اکبر
عبدی (مادر)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: افسر اسدی (عبور از غبار) /
منتقدان: فریبا کوثری (دندان مار)

■ برگزیدگان نهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۶۹)

بهترین فیلم: آپارتمان شماره ۱۳ (یدالله صمدی) / منتقدان:
پرده آخر

بهترین کارگردانی: واروژ کریم مسیحی (پرده آخر) / منتقدان:
واروژ کریم مسیحی (پرده آخر)

بهترین فیلمنامه: یدالله صمدی (آپارتمان شماره ۱۳) /
منتقدان: واروژ کریم مسیحی (پرده آخر)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: مهدی هاشمی (دو فیلم با
یک بلیط) / منتقدان: ابوالفضل پورعرب (عروس) و مهدی
هاشمی (دو فیلم با یک بلیط)

بهترین بازیگر نقش اول زن: فریماه فرجامی (پرده آخر) /
منتقدان: فریماه فرجامی (پرده آخر)

بهترین فیلمبرداری: اصغر رفیعی جم (پرده آخر) / منتقدان:
اصغر رفیعی جم (پرده آخر)

بهترین تدوین: محمدرضا مویینی (عروس) / منتقدان: ژیلای
ایپکچی و واروژ کریم مسیحی (پرده آخر)

بهترین موسیقی متن: بابک بیات (عروس) / منتقدان: بابک
بیات (پرده آخر)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: سعید پورصمیمی (پرده آخر) /
منتقدان: سعید پور صمیمی (پرده آخر)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: نیکو خردمند (پرده آخر) /
منتقدان: نیکو خردمند (پرده آخر)

■ برگزیدگان دهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۰)

بهترین فیلم: نیاز (علیرضا داودنژاد) / منتقدان: مسافران

بهترین کارگردانی: رخشان بنی اعتماد (نرگس) / منتقدان:
بهرام بیضایی (مسافران)

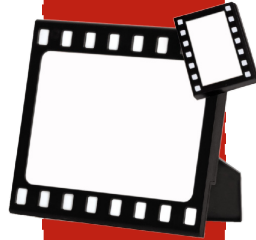
بهترین فیلمنامه: اصغر عبداللهی، حسن قلی زاده (خانه خلوت)
/ منتقدان: بهرام بیضایی (مسافران)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: فرامرز صدیقی (دادستان) /
منتقدان: عزت الله انتظامی (ناصرالدین شاه...)

بهترین بازیگر نقش اول زن: جمیله شیخی (مسافران) /
منتقدان: جمیله شیخی (مسافران)

بهترین فیلمبرداری: مهرداد فخیمی (مسافران) / منتقدان:
مهرداد فخیمی (مسافران)

بهترین تدوین: محسن مخملباف، داود یوسفیان (ناصرالدین



شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر





شاه اکتور سینما) / منتقدان: بهرام بیضایی (مسافران)
 بهترین موسیقی متن: محمدرضا علیقلی (نرگس) / منتقدان:
 مجید انتظامی (ناصرالدین شاه...)
 بهترین بازیگر نقش دوم مرد: مجید مظفری (مسافران) /
 منتقدان: مجید مظفری (مسافران)
 بهترین بازیگر نقش دوم زن: فاطمه معتمدآریا (مسافران) /
 منتقدان: فاطمه معتمد آریا (مسافران)

■ **برگزیدگان یازدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۱)**
 بهترین فیلم: از کرخه تا راین (ابراهیم حاتمی کیا) / منتقدان:
 سارا

بهترین کارگردانی: سیروس الوند (یکبار برای همیشه) /
 منتقدان: داریوش مهرجویی (سارا)
 بهترین فیلمنامه: داریوش مهرجویی (سارا) / منتقدان: داریوش
 مهرجویی (سارا)
 بهترین بازیگر نقش اول مرد: فرامرز قریبیان (بندر مه آلود) /
 منتقدان: اکبرعبدی (هنرپیشه)

بهترین بازیگر نقش اول زن: فاطمه معتمدآریا (یکبار برای
 همیشه) / منتقدان: فاطمه معتمدآریا (هنرپیشه)
 بهترین فیلمبرداری: رضا رضی (پرواز را بخاطر بسپار) /
 منتقدان: محمود کلاری (سارا، رد پای گرگ و از کرخه تا راین)
 بهترین تدوین: مهدی رجائیان (رد پای گرگ) / منتقدان: مهدی
 رجائیان (رد پای گرگ)

بهترین موسیقی متن: کیوان جهانشاهی (سایه‌های هجوم) /
 منتقدان: مجید انتظامی (از کرخه تا راین)
 بهترین بازیگر نقش دوم مرد: جهانبخش سلطانی (شرم) /
 منتقدان: جهانبخش سلطانی (شرم و صبح روز بعد)
 بهترین بازیگر نقش دوم زن: یاسمین ملک نصر (سارا) /
 منتقدان: یاسمین ملک نصر (سارا)، پروین دخت یزدانیان (شرم
 و صبح روز بعد)

■ **برگزیدگان دوازدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۲)**

بهترین فیلم: معرفی نشد / منتقدان: زیر درختان زیتون
 بهترین کارگردانی: محمد بزرگ نیا (جنگ نفت کش‌ها) /
 منتقدان: عباس کیارستمی (زیر درختان زیتون)
 بهترین فیلمنامه: هوشنگ مرادی کرمانی، محمدعلی طالبی
 (تیک تاک) / منتقدان: مهدی فخیم زاده (همسر)
 بهترین بازیگر نقش اول مرد: عزت الله انتظامی (روز فرشته) /

منتقدان: مهدی هاشمی (همسر)
 بهترین بازیگر نقش اول زن: فاطمه معتمدآریا (همسر) /
 منتقدان: فاطمه معتمد آریا (همسر)
 بهترین فیلمبرداری: حسن پویا (چشم شیطان) / منتقدان:
 تورج منصوری (بلندی های صفر)
 بهترین تدوین: حسین زندباف (چشم شیطان) / منتقدان: ایرج
 گل افشان (همسر)

بهترین موسیقی متن: ناصر چشم آذر (بلندیهای صفر، چشم
 شیطان) / منتقدان: ناصر چشم آذر (بلندیهای صفر)، پل هر تل
 (خاکستر سبز)، محمدرضا علیقلی (پناهنده)
 بهترین بازیگر نقش دوم مرد: جعفر دهقان (حماسه مجنون) /
 منتقدان: حسین رضایی (زیر درختان زیتون)
 بهترین بازیگر نقش دوم زن: نیکو خردمند (بازیچه، زینت) /
 منتقدان: نیکو خردمند (بازیچه و زینت)، پرستو گلستانی
 (همسر)

■ **برگزیدگان سیزدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۳)**

برگزیدگان سیزدهمین جشنواره فیلم فجر (بهمن ۱۳۷۳)
 بهترین فیلم: روز واقعه (شهرام اسدی) / منتقدان: روسری آبی
 بهترین کارگردانی: داریوش مهرجویی (پری) / منتقدان:
 داریوش مهرجویی (پری)
 بهترین فیلمنامه: رخشان بنی اعتماد (روسری آبی) / منتقدان:
 بهرام بیضایی (روز واقعه)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: خسرو شکیبایی (کیمیا) /
 منتقدان: خسرو شکیبایی (کیمیا)
 بهترین بازیگر نقش اول زن: مینا لاکانی (دیدار) / منتقدان:
 نیکی کریمی (پری)
 بهترین فیلمبرداری: علیرضا زرین دست (پری) / منتقدان:
 علیرضا زرین دست (پری)

بهترین تدوین: حسین زندباف (حمله به اچ-۳) / منتقدان:
 حسن حسندوست (پری)
 بهترین موسیقی متن: مجید انتظامی (روز واقعه) / منتقدان:
 کیوان جهان شاهی (پری)
 بهترین بازیگر نقش دوم مرد: علی مصفا (پری) / منتقدان: علی
 مصفا (پری)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: گلاب آدینه (روسری آبی) /
 منتقدان: گلاب آدینه (روسری آبی)

شماره اول
 ۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
 سی امین
 جشنواره بین المللی
 فیلم فجر



مشنواره آن لاین

با همکاری: مرضیه ابراهیمی، زهرا اسلامی، احمد اکبری، نیما بهدادی مهر، فرهاد خالدار، آرش رضانیان، علی زادمهر، آیدا عزتی، امید عشیری، سمیه قاضی زاده، مهدیه مستعد، سیده مریم مطلب پور، مریم نادی، الهام نداف

نشریه اینترنتی سی امین جشنواره فیلم فجر

شماره اول - ۱۵ بهمن ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: روابط عمومی سی امین جشنواره فیلم فجر

مدیرمسئول: سیداحمد دانش

سردبیر: احمد شاهوند

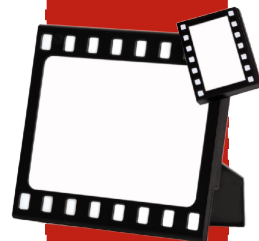
مدیر هنری: استودیو سی نت

عکس: حمید شاهوند، مهدی رمضان زاده، آرش عاشوری نیا
با تشکر از: فرانک آرتا، محسن آزاددل، سیدرضا صائمی، زرنوش محمدی

برنامه روز سوم و چهارم مرکز همایش های برج میلاد



ترانه علیدوستی و صابر ابر - پذیرایی ساده (مانی حقیقی)



شماره اول
۱۵ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر

یکشنبه ۱۶ بهمن

۱۰:۰۰ پذیرایی ساده (مانی حقیقی)
۱۳:۰۰ رویدن در باد (رهبر قنبری)
۱۵:۳۰ شور شیرین (جواد اردکانی)
۱۸:۱۵ زندگی خصوصی (محمدحسین فرح بخش)
۲۰:۴۵ بوسیدن روی ماه (همايون اسعدیان)
۲۳:۰۰ اکباتان (مهرشاد کارخانی)

شنبه ۱۵ بهمن

۱۰:۰۰ خرس (خسرو معصومی)
۱۳:۰۰ فیلادلفی (اسدی پور، رحیم زاده)
۱۵:۳۰ دوباره با هم (روزبه حیدری)
۱۸:۱۵ بی خداحافظی (احمد امینی)
۲۰:۴۵ ضد گلوله (مصطفی کیایی)
۲۳:۰۰ رویای سینما (علی شاه حاتمی)

*** = عالی ** = خیلی خوب * = خوب * = متوسط O = ضعیف O = ضعیف

جدول ارزشگذاری نویسندگان بر فیلم های ایرانی جشنواره - تا پایان روز دوم

امیررضا نوری پرتو	سیده مریم مطلب پور	زرنوش محمدی	سیدرضا صائمی	احمد شاهوند	فرهاد خالدار	نیما بهدادی مهر	احمد اکبری	مجتبی اردشیری	محسن آزاددل	فرانک آرتا	
O	**	**	۱/۲	**	**	*۱/۲		۱/۲	*۱/۲	*۱/۲	میگرن
O	*۱/۲	*		*	*	۱/۲	O	*	*۱/۲	*	تلفن همراه ...
O	**	*		۱/۲	۱/۲	۱/۲	O	*۱/۲	۱/۲	*	گشت ارشاد
O	O	O	O	۱/۲	۱/۲	۱/۲	O	۱/۲	۱/۲	۱/۲	یک سطر واقعیت
O		۱/۲		۱/۲	۱/۲	۱/۲	O	۱/۲	O		من و زیبا
					O						پرواز بادبادک ها
O				۱/۲	۱/۲		O	O	O		سلام بر فرشتگان
	O				O	O		O		O	پنج شنبه آخر ماه
		۱/۲		O	O	O		O	O		گیرنده

